

The do's and don'ts of the days of the moon based on the text of the *MAdayAn I Sih-ROzag*

Zahra Mahmoodian*

Iraj Enayatizadeh**

Abstract

In the ancient calendar, the year was based on twelve thirty-day months, each of the thirty days of the month was attributed to one of the gods and angels of Zoroastrian religion. There have been do's and don'ts for doing things among Iranians, and every day has been desirable for doing something. In the Pahlavi piece called *MAdayAn I Sih-ROzag*, thirty days are mentioned, what is suitable and good for which day. The main question of this research is whether the belief in the misfortune of deeds is related to the selfishness of the gods who observe the days of the month and is it influenced or not? In the book of *Farziyat-Nameh* of Darab Pahlavan's and a piece called "*Truth Days*" from Azarbad Mehraspandan, the works that should be included in Each of the thirty days of the month did is listed. This research examines the thirty-day requirements of the Iranian month by means of documentary-library study. First, the Pahlavi text of *MAdayAn I Sih ROzag* is translated into Persian and examined linguistically, and it is matched with the *Farziyat-Nameh* and advice of Azarbad Mehraspandan. This research shows that the belief that things are unlucky

* MA of Iranian Ancient Culture and Languages, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran,

** Ph.D in Iranian Ancient Culture and Languages, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran (Corresponding Author), enayati.ir@gmail.com

Date received: 2021/11/06, Date of acceptance: 2022/01/28

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

on the days of the month has been common among Iranians and is related to the names and duties of Gods of thirty days of the month.

Keywords: Thirty days, do's and don'ts, Ancient Calendar, Folk Beliefs, Gods.



شایست ناشایست روزهای ماه براساس متن مادیان سی روزه

زهرا محمودیان*

ایرج عنایتی زاده**

چکیده

در تقویم باستانی سال مبتنی بر دوازده ماه سی روزه بود و هر یک از سی روز ماه به نام یکی از ایزدان و فرشتگان دین زرتشتی منسوب شده بود. بین ایرانیان برای انجام کارها بایدها و نبایدهایی وجود داشته است و هر روزی برای انجام کاری مطلوب و پسندیده بوده است. در قطعه‌ای پهلوی موسوم به *مادیان سی روزه* ذکر شده است که چه کاری برای کدام روز مناسب و نیک است. پرسش اصلی این تحقیق چنین است که آیا اعتقاد به سعد و نحس بودن کارها با خویشکاری ایزدان ناظر بر روزهای ماه ارتباط داشته است و از آن تاثیر می‌پذیرفته یا خیر؟ در منظومه‌ی *فرضیات نامه* دستور داراب پالن و قطعه‌ای موسوم به *حقیقت روزها* از آذرباد مهراسپندان هم کارهایی را که باید در هر یک از سی روز ماه انجام شود؛ ذکر شده است. این پژوهش به شیوه مطالعه اسنادی-کتابخانه‌ای بایسته‌های سی روزه ماه ایرانی را بررسی می‌کند. نخست متن پهلوی مادیان سی روزه به فارسی برگردانده می‌شود و از جنبه زیانشناسی بررسی می‌گردد و با فرضیات نامه و اندرز آذرباد مهراسپندان مطابقت می‌گردد. این تحقیق نشان می‌دهد اعتقاد به سعد و نحس بودن کارها در روزهای ماه بین ایرانیان رایج بوده است و با نام و وظیفه ایزدان حافظ سی روز ماه مرتبط می‌باشد.

* کارشناس ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران،
** دکترای فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران
(نویسنده مسئول)، enayati.ir@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۸

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

کلیدواژه‌ها: سی روزه، شایست ناشایست، تقویم باستانی، باورهای عامیانه، ایزدان.

۱. مقدمه

تقویم رایج ایران عصر ساسانی دوازده ماه سی روزه داشت و هر روز منسوب به یکی از ایزدان دین زرتشتی که در بندهشن ذکر گردیده است (عریان؛ ۱۳۹۹: ۱۴۶-۱۴۸) از ویژگی‌های تقویم این دوره یکی وجود تعداد پر شمار جشن‌ها و آیین‌هاست.^۱ هم‌چنین میان ایرانیان اعتقاد بر این بود که هر کاری روزی خاص انجام شود. مثلاً اورمزد روز جامه و رخت نو بر تن کردن؛ روز اردیبهشت دارو و درمان خوردن؛ شهریور کشت و زرع کردن؛ روز سپندارمد زن خواستن؛ خرداد چاه و قنات کندن؛ مرداد باغ و بوستان آباد کردن؛ آذر نیایش و دعا خواندن؛ آبان کاریز و جوی حفر کردن؛ گوش روز به دام و ستور رسیدن؛ فروردین روان نیاکان پاس داشتن؛ دین روز به انجمن دینی رفتن؛ آسمان روز قرض دادن و ستاندن و مانند آن.

اعتقاد به سعد و نحس دانستن روزها از دیرباز در بین بیشتر جوامع بشری وجود داشته است. هم‌چنین اعتقاد به تاثیر ستاره‌ها و سیاره‌ها در خوش یمن و بدیمن بودن روزها که بر مقام و جایگاه اخترشناسان و طالع بینان نزد حاکمان و مردم می‌افزود سبب می‌شد تا مردم با کسب آگاهی از آنها درباره سعد و نحس روزها؛ امور زندگی خود را بر این اساس تنظیم کنند (باقری حسن کیاده و حشمتی؛ ۱۳۹۳: ۹)

موضوع این تحقیق واکاوی بخشی از باورهای کهن ایرانی نسبت به خیر و شر دانستن روزهای ماه است. این پژوهش می‌کوشد تا به این فرضیه پاسخ دهد که آیا ایرانیان بنابر باور عامه متاثر از نیروی جبر و ستارگان روزهای ماه را سعد و نحس می‌شمردند؛ یا به سبب موهبت و اولوهیت ایزدان ناظر بر روزهای ماه؛ روزها را مقدس و گرامی می‌داشتند و در انجام کارهای امور روزمره خویش از نیروی این ایزدان بهره می‌گرفتند.

این پژوهش براساس مطالعه متن مادیان سی روزه صورت می‌پذیرد. این متن ۳۲ بند دارد و در صفحات ۱۲۱-۱۳۲ کتاب وجرکرد دینی^۲ جای دارد. مادیان سی روز عقاید و باورهای رایج بین ایرانیان در ارتباط با امور روزانه را نشان می‌دهد. این متن با اورمزد روز آغاز و با انیران روز پایان می‌پذیرد. بند اول آن مقدمه‌ای است در ستایش اهورامزدا و

بندهای دوم تا سی و دوم آن به توصیف اعمال سی روز ماه می‌پردازد. و چون از روز اورمزد دو بار نام برده می‌شود؛ بنابراین متشکل از سی و دو بند است.

از مادیان سی روز فقط بخش مربوط به روزهای دوم (بهمن) و سوم (اردیبهشت) آن در مجموعه متون پهلوی به چاپ رسیده است (عریان؛ ۱۳۹۱: ۱۳۵) و نسخه کامل آن مورد استفاده تدوین کننده و جرکرد دینی در این مجموعه چاپ شده است (تفضلی؛ ۱۳۷۵: ۱۵۷)

دستور داراب پالن شاعر پارسی گوی اهل نوساری^۳ در کتاب فرضیات نامه اعمال مخصوصی که باید در هر یک از سی روز ماه به جای آورد از متنی پهلوی به رشته نظم کشیده است. این قطعه تفصیل هر روز در پهلوی نام دارد. (Pahlan, 1924:40-46).

در قطعه‌ای موسوم به حقیقت روزها (اوشیدری؛ ۱۳۷۱: ۲۴۸) متعلق به آذرباد مهراسپندان^۴ که جزو اندرزنامه وی چاپ شده است؛ برای هر یک از سی روز ماه کار مناسبی که باید به جای آورد ذکر گردیده است.^۵

پژوهش پیش روی در چند بخش سامان می‌یابد: نخست متن پهلوی مادیان سی روز آوانویسی (برطبق شیوه مکنزی) و به فارسی روان برگردانده می‌شود و مسایل صرفی و نحوی آن بررسی می‌گردد. در بخش محتوا مادیان سی روز با فرضیات نامه و اندرز آذرباد مهر اسپندان مطابقت می‌گردد بدین ترتیب که در هر بند آوانویسی و ترجمه فارسی مادیان سی روز آورده شده و سپس شواهدی از فرضیات نامه در زیر هر بند ارائه شده و برای پیوند بیش تر به گفته‌های آذرباد مهراسپندان ارجاع داده شده است.

در این مقاله هر جا برای ارجاع به و جرکرد دینی (Wizirgerd-i-Denig) از عبارت لاتین (W.D) استفاده شده است. همچنین برخی نشانه‌ها مختص آوانویسی از این قرار است: برای تصحیح + واژه افزوده شده [] کلمه یا حرف زاید < > قرائت احتمالی در آوانوشت (?) و معنی احتمالی در ترجمه با (?) نشان داده می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

تا آنجا که به موضوع این تحقیق مرتبط است درباره شایست ناشایست روزهای ماه در نوشته‌ها و مقالاتی چند بحث شده است. در مقاله‌ی سلیم (۱۳۵۳) باید و نباید روزهای ماه در فرهنگ ایرانی مستخرج از اندرز آذرباد مهراسپندان در کتاب متن‌های پهلوی با احادیث

و نوشته‌های اسلامی و شیعی مطابقت شده است. ابوریحان بیرونی در کتاب آثار الباقیه (۱۳۸۹) به باورهای ایرانیان دربارهٔ سعد و نحس دانستن روزها پرداخته است. در رساله دکتری عنایتی زاده (۱۳۹۵) دربارهٔ جرکرد دینی؛ متن مادیان سی روزه ترجمه و بررسی شده است. باقری حسن کیاده و حشمتی (۱۳۹۳) در مقاله‌ی ((پیشگویی و طالع بینی در متون ایرانی دوره میانه)) باید ها و نبایدهایی که دربارهٔ روزهای ماه وجود داشته است شواهدی از مادیان سی روزه آورده‌اند. زرشناس و رشنو (۱۳۹۶) در مقاله‌ی جایگاه و مقام ایزد رشن؛ شاهدی از مادیان سی روزه در توصیف روز رشن آورده‌اند. در مقاله زهرا غلامی (۱۳۹۹) با عنوان ((سعد و نحس ایام در باورها و امثال و حکم بیرجند)) باید و نبایدهای روزها در بین ایرانیان باستان شواهدی به نقل از اندرز آذرباد مهراسپندان آورده شده است.

۳. آوانویسی و ترجمه^۶

1- abar čiyOn slh rOzlh az wizlrkard [I] dEnlg framUd EstEd pad nAm I yazdAn ud jadag nEk tan drustlh +(purrag)?⁷ weh-saxwan čImEnag I xIrAn, xwadAy I wispAn gumEziSn, frazAmlhEd čImlg dAdAr ohrmazd frazAm pErOzgar .

درباره چگونگی سی روزه از جرکرد^۸ دینی فرموده شده است به نام یزدان و اقبال نیک و تندرستی؛ پر ز سخن نیک چیزهای عقلانی فرمانروای همه جهان مادی؛ فرجام دهد با دلیل دادار اورمزد فرجام پیروزگر (W.D, 1848:121).

2-ohrmazd pad nAm I yazad pad OstlgAn ud a-wardiSnlg ud OSmurd ud rOz I farrox+xwAnd rAmiSn SlrEnag ud drOd murwAg [I] nEk pad dastwar dAStan ud jAmag I nOg paymOxtan ud O bAG ud dast(a)gird I nOg Sudan ud abArIg kAr I rAmiSnlg wES kardan.

[روز] اورمزد به نام ایزد؛ استوار و تغییر ناپذیر و روزی فرخ شمرده و خوانده (شده است)؛ با آرامش و خوش^۹ و تندرستی و فال نیک در دستور داشتن (=به کار داشتن) و جامه نو پوشیدن و به باغ و دستگرد نو شدن (=رفتن) و دیگر امور را با آرامش و خوشی بسیار گذراندن. (W.D: 121).^{۱۰}

- فرضیات نامه (Pahlan, 1924:41):

بروز هرمزد پاک و فیروز	بباید کردن چندین کار این روز
کند رامشنی و غم دور دارد	نیت بر موبد و دستور آرد

پوشد جامه نو اندر این روز بود هرگونه در دل شادی اندوز

3- wahman rOz pad nAm I meh I frEstagAn, im-rOz hanjaman uskAr-E pad xrad kardan ud O dar I SAhIgAn Sudan ud SAhIgAn-iz dAnAgAn ud framAn burdArAn O handEmAnlh hiStan dOstAn- iz ud dAnAgAn O AgenEn pad drOd pursiSnlh Sudan ud dOSArm ud dAniSn warzIdan ud pad hamAg kAr ud dAdestAn xUb .

بهمن روز به نام فرشته بزرگ؛ این روز انجمن مشاوره‌ای بخرد کردن؛ و به درگاه شاهی شدن و نیز به درگاه دانایان [شدن] و فرمان برداران را اجازه حضور دادن و نیز با دوستان و دانایان به احوال پرسی شدن؛ عشق و دانش ورزیدن و به همه کار و امور خوب (پرداختن). (W.D: 121).^{۱۱}

- فرضیات نامه (Pahlan:41):

به بهمن روز کار عقل کردن	ره دین پیش مردم نقل کردن
شدن در خانه دانایان و عاقل	نکردن خویش را از کار غافل
بیاران خود تو پرسیدار همی باش	ز دانش کار ورزیدار همی باش
پوشد جامه نو اندر این روز	بود هر گونه در دل شادی اندوز

4-ardwahiSt rOz ASth ud dOSArm warzIdan ud darU ud darmAn AmExtan ud xwardan ud hanjaman I kAr I ruwAnlg ud uskAr I pad meh dAdestAnlh handAxtan ud kardan ud haSAGirdAn gumArdan pad EwgAnaglh I sAlarAn pAdixSAyAn paywastan ud abArIg kAr I hu-jahiSn ud stUdag .

اردیبهشت روز؛ آشتی و عشق ورزیدن و دارو و درمان را آمیختن و خوردن؛ و انجمن و کار مربوط به روان کردن؛ و اندیشه به بزرگ دادستانی (=دادوری) انداختن و کردن؛ و شاگردان را گماردن به یگانگی و پیوستن به سالاران و پادشاهان و هر کار دیگر نیک جهش (=خوش یمن) و ستوده. (W.D: 121-122).^{۱۲}

- فرضیات نامه (Pahlan: 41):

بروز پاکان کان اردیبهشت است	شدن در خانه آذر زان نبشت است
دشارم خواستن زین ایزد روشن	که تا باشد روان مانند گلشن
دارو و درم—اترا سرش—تن	بسی نیک است هم این روز خوردن

5- Sahrewar rOz mehAn ud sAlArAn ud kArdAr ud kArframAnAn gumArdan ud garAn winAhiSn wirAyiSn padiS kardan ud frOdmAndegAn ham warzidan ud kiSwz az mehAn ham warziSn xwAstan ud kAr ud xwAhiSn xwAstan ud +dahiSn +driyoSAn abzundan pad must ud stamb ud a-dAdlh az niyAzagAn I gEhAn bE bUrdan, frayAd

rasiSnIh ud čArag xwAhiSnIh ud xwAbarIh abErtar kardan pad EwEn dAStan ud pad-iz stAndan ud dAdan I nEk I.

شهریور روز؛ بزرگان و سالاران و کاردار و کارفرما را گماردن و از گناه سخت پاک شدن و هم فروماندگان را ورزیدن (=رسیدگی کردن) و از بزرگان کشت و زرع خواستن و کار و خواسته؛ خواستن و دهشن (=هبه) درویشان افزودن و ظلم و ستم و بیداد از نیازمندان جهان دور داشتن؛ فریاد رسی و چاره خواهی و احسان بیشتر کردن به آیین داشتن و نیز داد و ستد نیک کردن (W.D: 121-122)^{۱۳}

- فرضیات نامه (41): (Pahlan):

به شهریور بود کاری نمودن	که در این روز باید شاد بودن
بسرदार و مهان و کارداران	گماریدن بهر جا گه سواران
پذیرفتن کند عذر گنهکار	ببخشودن ز رحمت بر تبه کار

6- spandarmad rOz pad zan xwAstan ud zan O xAnag nIdan ud xAnag ud xAnag I nOg pad mAniSt kardan ud An I +kahwan wirAstan ud warz ud AbAdAnIlg kardan nEk kAr I andar An rOz frAz grift drOdIlg raftan OstIlgAn bUd ud andar An rOz burdIh ud nihAnIlg OSyArIh ud hunsandIh bArestAnIh ud rAdIh pad kardag-tar dAStan, EwEn kard EstEd .

سپندارمد روز؛ به زن خواستن و زن به خانه بردن؛ و خانه و منزل نو برای سکونت ساختن و آن (=خانه) کهنه را مرمت کردن و زراعت و آبادانی کردن در آن روز نیکوکاری فراز گرفتن؛ به احوال پرسی رفتن ثابت قدم باید بود؛ و در آن روز بردباری و هشیاری نهان و خرسندی و شکیبایی و بخشندگی بیشتر به عمل داشتن؛ آیین کرده شده است (W.D: 123)^{۱۴}

- فرضیات نامه. (41): (Pahlan):

بروز پاک اسفندارمد را	زن نو خواستن چه غیر و خود را
بخانه زن شدن یا زن بخانه	نخست این کار کردن در زمانه
زمین از ورز آبادان نمودن	ز باغ و کاخ دلشادان نمودن

7- hordAd roz pad SOyiSn ud wirAyiSn I tan pad kahas nOg brIn kardan ud čAh I nOg kandan ud widarag nihAdan ud baxSiSn I Ab kardan ud AbAdAnIlg ud hambAr handOxtan nEk ud pad har kAr [I] xUb uzmuDag .

شایست ناشایست روزهای ماه ... (زهره محمودیان و ایرج عنایتی‌زاده) ۲۶۹

خرداد روز به شستشو و پیرایش تن؛ کاریز نو حفر کردن و چاه نو کنندن و راه هموارکردن و آب تقسیم کردن؛ و آبادانی و انبار ذخیره کردن نیکو؛ و هر کار خوب را آزمودن. (W.D: 123)^{۱۵}

- فرضیات نامه (Pahlan:41):

همی در روز خرداد این کند کار	که تن شوی و روان خوشدار
بکندن چاه و نو کاریز کردن	با رود آب را آمیز کردن

8- amurdAd rOz sar I faradom haftag ud rOz I AsAn ud im rOz AsAnIh I tan ud ruwAn xwAstan pad-iz hambAr ud ramag AmAr abzOnEnd ud xwAstag ud warz AbAdAnIh I kiSwzAr ud bAG ud bOyestAn ud wESag drustIlg ud bESAziSnIh I kasAn ud ČiSan <ud> tuxSI dan ud AmAr hangAriSn I pardaziSn WAduntan(=kardan)^{۱۶} pad EwEn dAStan.

امرداد روز؛ آخر هفته اول و روزی آسان و این روز راحتی تن و روان خواستن؛ نیز به انبار و رمه آمار افزودن؛ و آبادانی کشتزار و باغ و بوستان و بیشه را خواستن و ورزیدن؛ درستی و درمان کسان و چیزها کوشیدن؛ و به حساب اموال پرداختن به طریقت داشتن (W.D: 123-124)^{۱۷}

- فرضیات نامه (Pahlan:42):

در روز امرداد این نمودن	روان و تن همی این روز شستن
همی انبار را آمار کردن	ز ورز این خواسته بسیار کردن
زمین بیشه را هم باغ سازد	سوی اشجار و کشت و راغ تازد

9- day pad Adur rOz pad nAm I yazd wuzurg mAdagIh rAy sUdIlg ud im rOz dahiSn ud AbAdIh ud ahlawAn SnAyEnIdArih pad kardagtar dAStan .

دی به آذر روز؛ به نام ایزد بزرگ ماده (=ایزد بزرگ جوهر) سودمند و این روز دهشن و آبادی و خشنودی پارسایان بیشتر به عمل داشتن (W.D: 124).^{۱۸}

- فرضیات نامه (Pahlan:42):

بروز هر مزد کاری که فرمودن	به دی به آذر سوی آنکار رو زود
بریدن ناخن و سر شانه کردن	پس آنگه تن بسوی غسل بردن
یقین این روز دارد نیت پاک	که تا در کرفه ها باشی خره تاک

10- Adur rOz abAg dardagAn ud dahiSn O dar I namAz gAh I adurAn ud AtaxSAn Sudan, ČiyOn kAmag ČaSmag ud nEkIh dAdAr AtaxS I warahrAm ErAn pAdIhA namAz: nvmO . aWi . zvmO . WaGDanvm . haDa . urWa . barvnti . namAz abar zamIlg pad An I sar abAg rOy barEnd kuniSn frEzbAnIlg. uskAr ud ayArIh pad yazdAn ud hubariSnIh wES tuxSIIdan ud hammis kirbag handAxtan ud kardan ud pad wihEz az gyAg O gyAg xUb dAStan .

آذر روز همراه با دردمندان و دهشن (=هدیه) برای نماز به جایگاه آدران و آتشان شدن؛ چنان (کام چشمه)؟^{۱۹} و نیکی دادار آتش بهرام پاینده بهان^{۲۰} به نماز سر بر زمین روی بردن واجب است؛ تفکر و یاری به ایزدان و رفتار نیک بسیار کوشیدن و همه نوع کرفه در انداختن و کردن و از جایی به جای خوب حرکت داشتن (= سفرکردن) (W.D: 124).^{۲۱}

- فرضیات نامه (42: Pahlan):

به آذر روز باید کار کردن	که خود را سوی ایزد آذر بردن
دعا خواندن به پیش پاک دادار	ز بهر هر چه حاجت باشد و کار
ز تخشایی و هم از خویشکاری	کند این روز باید سازگاری
طعام و هر خورش کم پختن این روز	بر آذر بوی خوش نه روشن افروز

11- AbAn rOz pad rOd rAyEnIdan ud kahas brIdan ud jOy kandan ud ČAh rObtan ud draxt ud jOrdA kiStan ud hammis warz ud AbAdAnIh ud sUd xwAstArIh pad wizEn dAst bE yazdAn nAzukIh I rOzgAr rAY kAr pad pahrEz ud nigeriSn kardan .

آبان روز؛ رود هدایت کردن و قنات احداث کردن و جوی کندن و چاه رویدن؛ و درخت و غله کاشتن و همراه با کشاورزی و آبادانی و سود خواستاری بهر ایزدان گزیده داشتن؛ به سبب ناپایداری ایام؛ کار از روی پرهیز و با ملاحظه انجام دادن. (W.D: 125).^{۲۲}

- فرضیات نامه (42: Pahlan):

به آبان روز سازد کار رود آب	و یا چشمه و یا زین مثل شادآب
که پل را بر سر رود آب بستن	که مردمان ابر آن آب جستن

12- xwar rOz nAm I az rOSnIh ud paydAgIh I ČiSAn az rOzgAr I wizEn hangArd az-iSAn guft kU pad har kAr I nEk ud sabuk bE az Sudan O warzIgarAn pahrExtan.

خور روز؛ نامش از روشنایی و پیدایش امور در هنگام روز پسندیده دارد؛ و گفته شده است که به هر کار نیکو و آسان و از کشت و زرع مراقبت کردن. (W.D: 125).^{۲۳}

- فرضیات نامه (42: Pahlan):

بروز خور که کار نور باشد کند آنرا که مثل سور باشد
سفر این روز کردن هست واجب اگر بر کام خود باشند راغب
فرستادن به مکتب کودکان را که تا فرزانه باشند داستان را

13- mAh rOz pad farrox rOz I weh stAyEd xwandan ud pad xwaran AsAnIh murwAg ud nEk kardan ud rAyEnIdan An rOz +rOzgar I garAn ud wihEz kem passandEd u-San wuzurg mAdagIh rAy pad garAn dASt u-SAn En-iz guft kU pad rAmiSn nAziSn ud Ayaft xwAhiSnIh nEk pad kAr sUdIg ud gardiSnIg ud tEz-wardiSn .

ماه روز؛ روزی فرخ و نیک ستاییدن (متن: ستایید) و خواندن و به مهمانی و استراحت و فال نیک [کار] کردن و اداره کردن؛ آن روز؛ روزی سخت و حرکت کمتر مورد پسند است؛ و به سبب بزرگ مادگی (=جوهر بزرگ) گران داشته شود؛ نیز گفته شده که با آرامش و لطف آیفتم (=حاجت) نیک خواستن و هر کار دارای سود؛ و از [کار] تیزگردش (=زودگذر) و در چرخش (=ناپایدار) [دوری شود]. (W.D: 125).^{۲۴}

- فرضیات نامه (Pahlan:43):

هرآن کاریکه مشکل بوده باشد کند این روز تا آسان شناسد
بفال نیک و فرخ کار و کردار کند رامشنی از هر کار هموار
بحاجت ساختن در کار رامش بکار دنیوی حرص و حرامش
هر آنچه کار دور از گردش تیز بکن این روز زودی زود برخیز

14- tIr rOz O frahangestAn Sudan, ud pad frahang andar ČahAr pESag nAmČiSt dibIrlh ud axtarmArIh ud AbAndArIh ud wirAyIhSn I kahAs ud ČAh ud jOy ud rOd ud +puhl ud nAy ud kaStIg hammis abzAr xwAstan ud warziSn kardan ud SOyiSn ud wirAyIhSn I tan ud ruwAn handAxtan ud wizIdag kard EstEd .

تیر روز به فرهنگستان شدن (=مدرسه رفتن)؛ و با علم و معرفت در چهار پیشه ویژه: دبیری و علم نجوم و آبداری و حفر و لایروبی چاه و قنات و جوی و رود؛ و پل و دکل و کشتی [ساختن] و هر گونه ابزار خواستن و [زمین] اکشت کردن و تن و روان را شستن و ویراستن؛ طرح و گزیده شده است. (W.D: 12526-126).^{۲۵}

- فرضیات نامه (pahlan: 43):

بروز تیر سازد کار فرهنگ که تا شد از آن بسیار هوشنگ
شدن اندر دبیرستان ز بیش فرستد کودکان را بهر دانش
چو کار تیراندازی و هم جنگ کند آموختن این روز بی ننگ

چو کار چاه و جوی و رود و پل را بیاراید همیشه هر محل را
کند آباد از ورز این زمین را که تا یابد از آن دنیا و دین را
بشوید تن همی بهر روان نیز بویاراید روان هر گونه خود نیز

15- gOS rOz haftag doymom rOz I AsAn asprEs ud čObIgAn ud xar-iz ud asp O zEn kardan pad hangAriSn I haftag ud rOzgAr I uzId abar madan wirAyiSn kardan I pad tanIlg ud ruwAnIlg kAr nAmciSt pahrEz ud SnAyEniSn I stOrAn ud gOspandAn ud gOspand sardagAn pad kardagtar dAStan ud aziSan gOSt kem xwardan ud pEm pad kardAr dAStan u-San gOS rOz ud anagrAn rOz nAxun ud sumb I stOrAn wirAstan ud pad xwaSIgAn dAStan .

گوش روز؛ هفته دوم؛ روزی راحت برای اسب دوانی و چوگان و زین کردن اسب و الاغ؛ و بر امور هفته و روز نظارت و رسیدگی کردن؛ و تن و روان را از کار ویژه دورداشتن و آسایش ستوران و گوسفندان و چهارپایان را بیشتر انجام دادن؛ و از گوشت و شیر آن‌ها کم‌تر خوردن و استفاده کردن؛ گوش روز و انیران روز؛ ناخن و سم ستوران آراستن و به‌خوشی داشتن. (W.D: 126).^{۲۶}

- فرضیات نامه. (43: Pahlan):

بروز گوش زین گردان بر اسبان	خریدن جملگی این روز میدان
هر آنچه کار گاو گوسفند است	همه این روز کردن سودمند است
کند کم خورد هر چند گوشت این روز	که شیر و غیر از او برخوان باندوز
بروز گوش و هم و دیگر انیران	تمامی شاخ و هم سم ستوران
برنگ گونه گون آراستن شان	دهشمن نیکوتر داد بایشان

16- day pad mihr rOz, rOzgAr I nEk mAdagIh rAy garAmIlg ud sUdIlg ud im rOz wizIr ud dAdwarIh, ud wirAyiSn [I] xIrAn pad EwEntar dAStan .

دی به مهر روز؛ به سبب نیک مادگی (=جوهر نیک)؛ روزی گرامی و دارای سود؛ و این روز قضاوت و دادرسی و ترتیب چیزها مرسوم‌تر داشتن. (W.D: 127).^{۲۷}

- فرضیات نامه (43: Pahlan):

بروز دی به مهر این کار کردن	نکوتر خویشکاری را شمردن
کند آراستن خود ناخن و موی	بود از روی دین پاکیزه سر شوی

17-mihr rOz xwad EdOn wizIrgar I dAmAn u-San im rOz abar winAhgarAn wirAyiSn ud abAg wehAn dOSArm abzUdan dOstAn rAmEnIdan xwArbAr sAxtan O

arzAnIgAn tAftIghA nigeriSn kardan ud az winAh petItIh kardan ud petItIg paydAgAn
wizArdan ud kasAn AmurZIdan ud wistAxIdan ud O kAr I passazag gumArdan ud kEn
warzE gugArdan ud framOSIdan ud mihrbAnIh pad rAyEniSn dAStan čimIg .

مهر روز؛ ایدون خود داور آفریدگان؛ در این روز گنهکاران را اصلاح و با نیکان
عشق افزایش؛ دوستان را شاد کردن؛ خواربار (=آذوقه) تهیه کردن؛ به ارجمندان به گرمی
نگریستن و از گناه توبه کردن و توبه کاران را گزاردن و افراد را آمرزیدن و اعتماد کردن و
به کار سزاوار گماردن و کینه ورزی فرو بردن و فراموشیدن و با اراده به مهربانی عمل کردن.
۲۸.(W.D: 127)

- فرضیات نامه (Pahlan: 43-44):

تواضع را بچشم رحم بنگر	بروز مهر کن کار ای هنرور
بآمرزد مهان جرم کهانرا	کهان رسم ادب دارد مهانرا
بسوی آشتی دارد ره خویش	فراموشد نزاع و کینه خویش

18- srOS rOz wuzurg mAdag ud tEz čE ohrmazd I xwadAy srOS rAy pad
xwadAyIh ud pAs rAyEnIdArIh I gEhAn gumArd andar im rOz kAr EdOn pad phrEz
ud az winAh pAdan ud pad frOdmAnd yOjdahrIh dOSIdan abAyEd čiyOn kE andar
Azarm ud SkOh parwAr I xwadAyAn ud gyAg [I] SAhIgAn EstEd,u-San im rOz az sar
Sustan [ud] wars wirAstan saxt pahrExt .

سروش روز بزرگ ماده (=بزرگ جوهر) و سریع؛ چه اورمزد خدای؛ سروش را فرمانروا
و محافظ اداره جهان گمارد؛ در این روز کار ایدون از روی مراقبت و از گناه پاییدن و
نسبت به فرومانده مهربانی ورزیدن باید چنان که در احترام و شکوه در ارگ خدایان و
جایگاه شاهی ایستد؛ و این روز از شستن سر و آراستن موی سخت مراقبت شود (W.D:
127-128). ۲۹

- فرضیات نامه (Pahlan: 44):

بود روز سروش این بیم کردن	همه علم و هنر تعلیم کردن
هر آن کار دبیری و هنر هست	بباید کرد تا این نیکتر هست
چو کار سروری و پاسبانی	چو داد و عدل و بذل و کامرانی
کند این روز پرهیز از فروماند	بجز زین هر گنه کاندر قلم راند
بباید تا کند آنروز سر شوی	بویرانید تن از ناخن و موی

19- raSn rOz pad Eč EwEnag drOzanIh uf frEftArIh nE kuniSn ud kAr I xwurdag kam ud An wuzurg wES handAz ud saxwan I drO fradom nE An rAst paymAnIlg gOwiSn ud az war warziSnIh ud sOgand xwariSnIh Oh pahrEziSn .

رشن روز به هیچ آیین دروغزنی و فریفتاری نکن و کار کوچک کم و آن (=کار) بزرگ بیش انداز و نخست سخن دروغ مگو و آن (=سخن) راست به پیمانہ گو و از انجام ور (=آزمایش ایزدی)^{۳۰} و سوگند خوردن چندان پرهیز. (W.D: 128).^{۳۱}

- فرضیات نامه (44): (Pahlan):

دروغش کو نباشد هم فریفتار	به رشن روز واجب هست اینکار
بباید کرد و دور از کاست باشد	هر آن کاریکه سویش راست باشد
کند پرهیز و باشد نیکی اندوز	نخوردن هیچ سوگند اندر این روز

20- frawadIn rOz, xwad rOzgAr I ahlawAn frawahr hanjaman- iz yaziSn ud sUr ud mEzd ud AfrInagAn pad azbAyiSn frawahrAn ud ayAdEniSn [I] pESENagAn +hunar kardArIh I kAr kirbagAn čand wES pAdixSA pad ASItIh ud ham- nErOglh I wasAn handAxtan [ud] kardan pad EwEn dAStan.

فروردین روز؛ خود روز فروهر پارسایان؛ و انجمن و نیز یزشن و سور و میزد^{۳۲} و آفرینگان^{۳۳} به نیایش فروهران و یاد پیشینیان؛ با عمل خوب و کار کرفه چند بیشتر می توان با آشتی و هم نیرویی بسیار در انداختن و کردن؛ مرسوم داشتن (W.D: 128).^{۳۴}

- فرضیات نامه (44): (Pahlan):

سوی روز اشوان زود تازد	بروز فروردین این کار سازد
یزشن و هم میزدش نیک بنگر	درون و آفرینگان فروهر
چو خاصه روزکار او در آید	همی یاد از می و شیرش نماید

21- warahrAm rOz ,warahrAm yazad xwad andar mEnOgAn ud yazdAn spAhsAlAr ud drafSdAr I mahist u-S pad dEn andar SnUman amAwandIh ud pErOzgarIh nAmEnEd ud OSmurd EstEd ud andar razm I yazdAn ud asp ud bAzIh wiSkar ud huniyAgarAn O kAr grifan abAg dEwAn pESObAytom marčAbuktom ud +awestwArtom ud har gyAg amAwandIh SawEd ud pad pErOzgarIh AyEd ud im rOz pad asprEs ud naxčIh ud pad zan I gurdAn³⁵ ud paymOzan I čaSmag nEkOg ArAyiSn paymOxtan An mAh rAm rOz rAy ast wizldag bE yazdAn az kArIhA pahrEz EdOn kardan čiyOn az pAdixSAy I gEtIlg ud artEStAr dilEr ud awestwAr ud AtaxS abrOxtag

بهرام روز؛ بهرام خود ایزد اندر مینویان و ایزد سپاه سالار و درفش دار بزرگ؛ در نیایش به نیرومندی و پیروزگری شمرده و خوانده شده است؛ و در رزم ایزدان و اسب و بازی و

شکار و خنیاگران به کار گرفتن (= به یاری گرفته شود)؛ در مقابله با دیوان؛ پیشواترین و شجاع‌ترین و استوارترین و هر جا به نیرومندی رود و با پیروزی باز آید؛ و این روز به اسب دوانی و نخجیر [رفتن] و همراه با زن دلیر و جامه نیکو منظر آراسته پوشیدن؛ آن ماه رام روز را هست گزیده بهر ایزدان از کارها ایدون مراقبت کردن چنان از پادشاه گیتی و ارتشتار دلیر و استوار و آتش برافروخته . (W.D: 128-129).^{۳۶}

- فرضیات نامه (Pahlan:44):

همی در روز بهرام این کنی کار	که جمله کار گیتی راست مختار
سپهدار است بر هر کار دنیا	که خلقان را کند دور از بدیها
که این ایزد است از یزدان دیگر	بکار دنیوی فیروز بر فر
چو کار رزم و بزم و هم سواری	سلاح و هم شکار این روز داری

22- rAm rOz xwES mEnOg ud rAmiSn ud im rOz pad zEn abzAr ud payrAyag kardan ud ArAstan ud SAdlh paymOxtan wizldadg dAStan .

رام روز خود مینو و آرامش و در این روز زین ابزار و زیور آراستن و کردن و با شادی پوشیدن گزیده داشتن (=برگزیده است). (W.D: 129).^{۳۷}

- فرضیات نامه (Pahlan: 45):

بروز رام رامشنی خوشیها	کند با مردمان هم دوستی ها
هران زیبا و زاری کان بدنیا	بکار آید کند این روز برپا
رود در خانه دستور و موبد	مدد خواهد از آن از فضل ایزد
تن خود با روان انباز سازی	کنی تا توشه عقبی نهادی

23- wAd rOz abdom I +gOhrag(stom)? pad rOz AsAn hangArd ud kAr sUd ud ziyAn hangAriSn abAz hamEnIdan pad weh abAyistan ud wirAyiSn ud wizAriSn kardan andar (hmb>s) ? I ruwAn rAmiSn dAStan ka-iz dAg I ayAb AgAhIh I andOh bUd O An rOz hiStan Ek En kU tA tEmAr pad rOz I AsAn gugArAdan ud kAr nE mAnAd ud mAnEd az AsAn kam ziyAntar kU az kAr wAd rOz sabukIh rAy andOh bES xwarEd ud har EwEn bES ud andOh wEn I wAd be abesIhEnEd ud har rAmiSn pad nErOg [I] wAd rasEd .

باد آخر روز [هفته] [دارای گوهر]؟^{۳۸}؛ روزی آسان به حساب آید و سود و زیان کار را محاسبه کردن و باز رسیدگی کردن و خوب و بایسته و ویراییدن و گزاردن؛ و اندر (کالبد؟)^{۳۹} روان آرامش داشتن؛ نیز هرگاه داغ و اندوهی رسد در آن روز ترک کردن؛ یکی

این که تا تیمار (=غم و اندوه) در روزی آسان فرو بردن و کار مانده بجای نماند؛ از آسان کم زیان تر که باد روز به سبب سبکی اندوه بسیار خورد و هر آینه رنج و اندوه به نفس باد بسپارد و هر آرامش به نیروی باد رسد. (W.D: 130).^{۴۰}

- فرضیات نامه (Pahlan: 45):

بروز باد سازد کار گوهر	زیان در سود کس نشمارد ایدر
گذارش گنه کردن در این روز	بدیگر کس بانبازی باندوز
کنند رامشنی از بهر روان را	خورد تیمار بهر آن جهان را
تمامی کار خوشبوی که داند	که از نیروی باد ایزد تواند

24- day pad dEn rOz abAg-iz xwaSIgAn rAy pad sUdIg Eč pahrExtan I uskAr dan dAniSn kAr I dEn wES kardan .

دی به دین روز نیز همراه با خوشی‌ها بخاطر سود؛ از دانش اندیشی خودداری نکردن؛ کار دین بسیار کردن (W.D: 130).^{۴۱}

- فرضیات نامه. (Pahlan:45):

بروز دی بدین کن خویشکاری	بکار نو نخستین دست آری
زن تو با خوشی آور بخانه	که داد مردی تو در زمانه

25- dEn rOz uskAr I wurroyiSn ud hanjaman I dEnIg ud wirAyiSn [I] xAnag ud ArayiSn I kodak-xwadAy ud AfrAh ud dOSiSnIh ud frahang I dEn burdArAn pad kardar dAStan .

دین روز؛ از روی اعتقاد اندیشیدن و به محفل دینی [رفتن] و خانه و اهل خانه را به زینت آراستن و تعلیم و عشق و فرهنگ دین داران را به عمل داشتن. (W.D: 130).^{۴۲}

- فرضیات نامه (Pahlan: 45):

بروز دین همیدون کار دینی	کنی و خویشکاری را گزینی
به مجلسهای دین و انجمنها	روی از داد برگویی سخنها
بیارایی بزینت خانها را	کنی کار حبوب و دانها را
به طفل و کودکان پیرای سازد	بفرهنگ و بدانش سر فرازد

26- ard rOz, kadag xwadAyAn ud kdag bAnUgAn ud ArAyiSn I grIw ud watarag ud payrAyag ud frazandAn ud nigeriSn ud frayAd [I] driyOSAn pad kardagtar dAStan.

ارد روز؛ آرایش کدخدایان و کدبانوان و خویشتن و زیور و جامه و فرزندان را [بخشیدن]؛ و توجه و فریادخواهی درویشان(فقرا) بیشتر به عمل داشتن. (W.D: 130).^{۴۳}

- فرضیات نامه (45: Pahlan):

بروز ارد باید کرد اینکار	کزو باشند دانا و خبردار
نیوشیدن نصیحتهای دانا	که تا باشی به گیتی زان توانا
ز کدبانویی و از کدخدایی	هران رسم عروسی را نمایی
بفرزندان دهد پیرایه و ساز	بوسترگ و بزبور بخشش باز

27- aStAd rOz kardArAn O pAdASn ud pAyag ud gAh (>plwsnytnn)? ud winAhgarAn O band ud puhl pAdifrAh abErtar pazAnEd u-San im rOz az razm ud harb ud kArEzAr ud pahikAr rAh ud kArawAn pahrExtan u-SAn kAr niSastaglh pad nEk dAStan .

اشتاد روز؛ پاداش اعمال [دادن] و پایه و گاه(افزودن)؟^{۴۴} و گناه کاران به بند و عقوبت و مجازات بیشتر کنند؛ و این روز از رزم و حرب(=جنگ)^{۴۵} و کارزار و پیکار و راه و کاروان (=با کاروان در راه رفتن) دوری کردن؛ و کار نشسته(=منزل)^{۴۶} نیکو داشتن (W.D: 131).^{۴۷}

- فرضیات نامه (45-46: Pahlan):

بروز اشتاد این کار دانند	که با خود آنکسی وابستگانند
مرایشان را بدادن مزد و پاداش	که چندین خدمت تو کرد بایش
فزودن پایه و گاهش موافق	نبودن هر کسی غیر و منافق
گنهکاران بد دین را صعوبت	نمودن شان بصد گونه عقوبت

28- asmAn rOz az abAm stadan ud sar Sustan ud wars wirAstan pahrExtan ud abArlg kAr sabuk ud xwaS nAmciSt wihEz ud kArawAn ud Ewarz nEk .

روز آسمان از قرض ستاندن و سر شستن و موی ویراستن مراقب بودن؛ و به دیگر کار راحت و خوش و ویژه و جابجایی(= سفر) و کاروان و حرکت نیک[داشتن]. (W.D: 131).^{۴۸}

- فرضیات نامه (46: Pahlan):

بروز آسمان ده یا ستان وام	که تا فارغ شوی زان قرض انجام
کند آراستن هم موی و ناخن	بشوید سر همیدون جملگی تن
بغیرش کارهای پاکی و نور	کند این روز از نزدیک و از دور

29- zAmyAd rOz pad bAG widest kardan ud xAn ud mAn parwast ud draxt kiStan ud warz kardan ud jAmag O dOz ud jOrda ud wAstar O hambAr burdan ud nEk abArIg kAr nigerEd ud dArU xwardan kam pAdixSAy.

زامیاد روز باغ بدست ساختن و خان و مان حصار [کشیدن] و دار و درخت کاشتن و ورز کردن و جامه دوختن و غله و علوفه به انبار بردن (=انبار کردن)؛ و دیگر کار نیک نگردد (=نگریستن) و دارو کم می توان خورد. (W.D: 131) ^{۴۹}

- فرضیات نامه (46): Pahlan: .:

بیارانید خانه روز زمیاد	نهی از کاخ و ایوانها تو بنیاد
درخت و دارو و میوه در نشاندن	به کشت و ورزها کاریز راندن
همیدون سیم و زر در گنج کردن	که در خرمن همیدون دانه بردن
نخوردن دارو و درمان درین روز	که تا نبود از آن دلها پر از سوز

30- mAraspand rOz dEn dAniSn ud frahang uskArdan waxSiSn kardan, pad-iz darU Ud darmAn ud ArAyiSn ud wirAyiSn ud payrAyiSn [I] tan pad-iz AfrIn kardan wizIdag pad bun fragandan ud rawAgEnIdArIh kAr kirbagIh ud kandan I uzdEszarIh ud bE burdan az winAhIhA ud yOjdahrIh I tan ud ruwAn nEk passandEd.

مارسپند روز؛ دانش دین و فرهنگ اندیشیدن رواج دادن؛ نیز دارو و درمان [کردن] و آرایش و ویرایش و پیرایش، نیز به دعا کردن برگزیده و به بن افکندن (=ساز قرار دادن) و کار کرفه (=نیک) رواج دادن و بت پرستی برانداختن و تن و روان را پاک و از گناهان دورداشتن؛ نیک پسندد (= پسندیده است). (W.D: 132) ^{۵۰}

- در فرضیات نامه آورده شده است (46): Pahlan: .:

بروز پاک کان ماراسفند است	همی این روز را کاری پسند است
بکار دانش و فرهنگ و کوشش	کند در خویشکاری تیز تخشش
که سازد کار درمانها و دارو	به پیرایه تن خود را ز هر سو
زنی را در زمانی خود نماید	کزان فرزند نیکو فهم زاید

31- anagrAn rOz abdom I mAhlGAn ud rOz I AsAn kAr I mAnEd hangAriSnIgIhA abAz AmArEnIdan ud andar Amadan ud bahr I driyOSAn yazdAn ustOfIt yazdAn čim pad sazAgIhA be framUdan ud ArAyiSn .

انگران روز آخر ماه و روزی راحت؛ کار مانده را با ملاحظه دوباره آمار کردن و اندرآمدن و بهر درویشان استوفرید ایزدان^{۵۱} [کردن] ایزدان دلیل و برهان به شایستگی بفرمایند و آریند (W.D: 132).^{۵۲}

- فرضیات نامه (46: Pahlan):

انیران روز را کار منیده	کند در خانه و جای گزیده
چو آید سود اندر خویشکاری	از آن تو حصه یزدان بداری
که کار کرفه آن سود این روز	کند تا باشد از وی کرفه اندوز

32-ohrmazd rOz rAy sAziSn kardan ud tan ud wastarag Sustan ud petItIglh ud winAh wizAriSn kardan ud gilag ObArdan ud kEn frAmOSIdan ud hamEmAl O +dOstIlh hAxtan ud ASIlh SAdIlh I tan ud ruwAn(.....)? kardan .

اورمزد روز؛ را سازش کردن (=مدارا کردن) و تن و جامه شستن و توبه و ترک گناه کردن و شکایت فروردن و کینه فراموشیدن و دشمن به دوستی و آشتی هدایت کردن؛ شادی جسم و روان (.....)؟^{۵۳} کردن.

۴. نتیجه‌گیری

ایرانیان در ایام سال برای انجام کارهای خود بایدها و نبایدهایی داشته‌اند و هر کاری را برای روزی خاص از ماه خوب و نیک می‌شمردند. شواهد این مطالعه نشان می‌دهد که اولاً برخلاف باور رایج؛ آنان هیچ روزی را نحس و بد یمن نمی‌شمردند؛ و از آنجایی که نام ایزدان بر تارک این روزها قرار دارد آن‌ها را نیک و مقدس می‌دانستند دوم اینکه در تنظیم امور زندگانی خویش از موهبت این ایزدان ناظر بر جهان هستی بهره می‌بردند و به هیچ‌کاری مهمی جز در جهت خشنودی ایزدان دست نمی‌زدند. سوم اینکه هر روزی که هر کاری انجام می‌دادند با نام و خویشکاری (=انجام وظیفه) ایزدی که آن روز منسوب به اوست؛ ارتباط مستقیمی داشته است. مثلاً روز بهمن - به نام فرشته موکل بر خرد و دانایی - به خانه دانایان رفتن؛ روز سپندارم - به نام ایزد موکل بر زمین - کشت و زرع کردن؛ روز آبان به نام ایزد موکل بر آب؛ آب را مراقبت کردن؛ روز آذر - به نام ایزد موکل بر آتش - بر حفظ حرمت آتش اهتمام ورزیدن و روز گوش به نام ایزد موکل بر چهارپایان؛ به امور دام و ستور توجه و رسیدگی خاص داشتن مورد توصیه بوده است و

چهارم اینکه مادیان سی روزه تنها متن پهلوی موجود است که یک رشته عقاید و باورهای عامیانه ایرانی مربوط به روزهای ماه را بیان می‌دارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای مطالعه بنگرید به: تقی زاده؛ ۱۳۱۶: ۲۰۱-۲۰۲؛ 513-539: Boyce, 1970.
۲. وجرکرد دینی مجموعه‌ای از متن‌های مختلف پهلوی است این کتاب در ۱۸۴۸م توسط دستور پشوتن سنجانا چاپ گردید. اما پس از انتشار بدلیل درج مطالبی در آن؛ مورد انتقاد برخی رهبران مذهبی پارسی قرار گرفت در نتیجه بیشتر نسخه‌های آن گردآوری و از بین برده شد. برای مطالعه بیش‌تر بنگرید به پورداوود؛ ۱۳۷۸؛ ۸۰: تفضلی؛ ۱۳۷۵؛ ۱۵۷-۱۵۸؛ عنایتی زاده؛ ۱۳۹۵: وجرکرد دینی (رساله دکتری)؛: 71: 1974. katra, 181-188. Sheffield, 2005.
۳. نوساری (Navasari) از شهرهای عمدتاً پارسی نشین در هند. بنگرید به: 64: Kotwal, 2017.
۴. بنگرید به: عریان؛ ۱۳۹۱: ۸۲-۸۳؛ 267-272: West, 1887؛ 58-71: JamaspAsana, 1897.
۵. احمد تفضلی معتقد است که این قطعه احتمالاً به اشتباه در میان این اندرنامه جای داده شده است (تفضلی؛ ۱۳۷۵: ۱۹۳).
۶. برای مطالعه متن پهلوی بنگرید به: 121-132: 1848: Wizirgerd-i-Denig.
۷. واژه ای که (pwl>k) حرف نویسی شده است با تصحیحی (purr = پُر) خواندیم و ترجمه کردیم.
۸. وجرکرد مرکب از دو واژه اوستایی: ویچیر (Wičira) به معنی فتوی دهنده و جزء دوم آن کَرِت (kareta) به معنی کرده؛ فصل و بخش و در مجموع وجرکرد دینی را رساله و کتاب احکام دینی گویند. بنگرید به: پورداوود؛ ۱۳۷۸: ۷۸.
۹. متن: Sylynk. فارسی (= چیز شیرین؛ دارای طعم خوش) نگ: فره وشی؛ ۱۳۵۲؛ ۴۱۹.
۱۰. اورمزد نام روز اول و نام خداوند است. آن را روز نوروز شاهان یا نوروز خردک نیز نامیده‌اند چرا که روز بار عام و جشن همگانی است (شهبازی؛ ۱۳۹۱: ۲۹). آذرباد مهراسپندان گفته است: روز اورمزد شاد باید بود (بنگرید به: عریان؛ ۱۳۹۱: ۸۲).
۱۱. بهمن اولین امشاسپند که در جهان مینوی مظهر منش و اندیشه نیک اورمزدی است (آموزگار؛ ۱۳۷۴: ۱۶). آذرباد مهراسپندان گفته است: بهمن روز لباس و جامه نو پوش (عریان؛ ص. ۸۲).
۱۲. اردیبهشت فرشته موکل بر آتش و روشنایی. دارو خوردن و به آتشگاه رفتن از اعمال این روز است. آذر باد مهر اسپندان: اردیبهشت روز به آتشگاه شو (عریان؛ ص. ۸۲).

۱۳. شهریور را روز دستگیری از نیازمندان خوانده اند آذر باد مهر اسپندان : در روز شهریور شاد باید بود. (عریان: ص. ۸۲)
۱۴. سپندارمد؛ روز پنجم از ماه و فرشته موکل بر زنان درستکار و پاکدامن این روز را جشنی بود خاص زنان که به کام خود همسر برمی‌گزینند (بیرونی؛ ۱۳۸۹: ۳۵۵). - آذرباد مهراسپندان: سپندارمد روز؛ ورز زمین کن (عریان: ص. ۸۲).
۱۵. خرداد فرشته نگهبان آب بر کره خاکی است. کندن چاه و تقسیم آب از کارهای مورد پسند این روز است. آذرباد مهراسپندان: خرداد روز جوی کن. (عریان: ص. ۸۲)
۱۶. متن: (nntnT^Xn) صورت پازند فعل پهلوی (kardan) از ریشه kar به معنی انجام دادن و کردن. مارتین هوگ برای آن ریشه سامی قایل است. برای صرف‌های مختلف این فعل بنگرید به: Haug, 1973: 230-231 . همچنین نگ : Kapadia, 1953: 24
۱۷. مرداد روز هفتم از ماه و فرشته موکل بر رزق و روزی (آموزگار؛ ۱۳۷۴: ۱۶) - آذرباد مهراسپندان: امرداد روز دار و درخت نشان (عریان: ص. ۸۲).
۱۸. دی به آذر یکی از سه روز منسوب به لقب پروردگار. در این روز ویراستن موی و ناخن عملی ثواب است. - آذرباد مهراسپندان: دی به آذر روز سر شوی و موی و ناخن ویرای. (عریان: ص. ۸۲)
۱۹. عبارتی که تحت اللفظی به (کام چشمه) ترجمه کردیم مرکب از دو واژه پهلوی چشمگ (=سرچشمه) و کامگ (=خواستنه و آرزو). بنگرید به : Mackenzi, 1971: 21 and 48 .
ظاهر ترکیب اضافی باشد برای توصیف مقام آتش بهرام .
۲۰. واژه ErAn هم به معنای ایرانی است و هم بهدین. در مقابل آن an- ErAn (ایران) قرار دارد که بر غیر ایرانی و غیر بهدین اطلاق می‌گردد. بنگرید به آموزگار و تفضلی؛ ۱۳۸۶؛ ۶۸ و ۱۱۹
۲۱. آذر ایزد نگهبان بر آتش‌هاست. در این روز از پختن هر گونه خوراک بر آتش دوری می‌شد. آذرباد مهراسپندان: آذر روز به راه شو و نان میز؛ چه گناه گران بود (عریان: ص. ۸۲).
۲۲. آبان و فرشته نگهبان بر دریا و آب‌ها. تقسیم قنات و کندن جوی در این روز نیکو است. آذرباد مهراسپندان: آبان روز از آب پرهیز کن و آب را میازار (عریان: ص. ۸۲)
۲۳. روز خور یا خورشید مصادف با اولین جشن گاهنبار موسوم به مدیوزرم گاه در سالگرد آفرینش آسمان بنگرید به: Modi, 1937: 364-365. - آذر باد مهراسپندان: خور روز کودک به دبیرستان کن تا دبیر و فرزانه باشد. (عریان: ص. ۸۲).

۲۴. آذرباد مهراسپندان: ماه روز می خور و با دوستان تفریح کن و از ماه خدای آیفِت خواه. (عریان: ص. ۸۲)

۲۵. تیر روز سیزدهم از ماه و ایزد موکل بر باران (آموزگار؛ ۱۳۷۴: ۲۲) - آذرباد مهراسپندان: تیر روز کودک به تیراندازی و نبرد و سواری آموختن؛ فرست (عریان: ص. ۸۲).

۲۶. گوش ایزد موکل بر چهارپایان خوب در این روز گوشت و دیگر فرآورده حیوانی مصرف نمی شد و سیر و سبزیجات می خوردند. بنگرید به: برهان ۱۳۱۷؛ ج. ۲: ۱۲۴۵؛ بیرونی؛ ۱۳۸۹: ۳۴۵. - آذر باد مهر اسپندان: گوش روز پرورش گوشورن کن و گاو به ورز آموز (عریان: ص. ۸۲)

۲۷. دی به مهر روز پانزدهم ماه و منسوب به نام آفریدگار - آذر باد مهر اسپندان: دی به مهر روز سر شوی و موی و ناخن ویرای و انگور از رزان باز به چرخشت افکن تا به شود. (عریان: ص. ۸۲-۸۳).

۲۸. مهر روز بخشش گنهکاران و رسم ادب بزرگان بجای آوردن پسندیده است. - آذر باد مهر اسپندان: مهر روز اگر ترا از کسی شکایتی بر آمده باشد پیش مهر بایست و از مهر دادوری خواه و شکوه کن (عریان: ص. ۸۳)

۲۹. سروش روز هفدهم از ماه و فرشته ناظر بر اعمال آدمی در روز جزا - آذر باد مهراسپندان: سروش روز برای بختاری روان خویش از سروش اهلاهی آیفِت خواه (عریان: ص. ۸۳)

۳۰. ور به معنی سوگند و نیز نوعی آزمایش آیینی بوده است که با عذاب جسم؛ درجه اعتقاد پیرو دین سنجیده می شد. بنگرید به: آموزگار ۱۳۸۶؛ ۷۴؛ فره وشی؛ ۱۳۵۲: ۴۵۰؛ بهار؛ ۱۳۵۱: ۲۲۴.

۳۱. رشن روز هجدهم از ماه و ایزد ترازوداری که گناه مردمان را به روز رستاخیر می سنجد. بنگرید به: زرشناس و رشنو؛ ۱۳۹۶: ۱۰۷-۱۲۴ - آذر باد مهر اسپندان: رشن روز؛ روزگار سبک و هر کار که خواهی کردن اندر فرارونی کن. (عریان: ص. ۸۳)

۳۲. میزد عبارت از فدیة و خوردنی جامد و سفره همگانی که همراه با نیایش و یزشن باشد نگ: مزداپور؛ ۱۳۹۰: ۱۴۲.

۳۳. آفرینگان مجموعه ای از نمازهای زرتشتی که در جشن و مراسم مختلف خوانده می شود بنگرید به: Modi, 1937: 354-384

۳۴. فروردین روز پاسداشت روان نیاکان است - آذرباد مهراسپندان: فروردین روز سوگند مخور و آن روز یزش فروهر اهلوان کن تا خرسند شوند (عریان: ص. ۸۳).

شایست ناشایست روزهای ماه ... (زهره محمودیان و ایرج عنایتی‌زاده) ۲۸۳

۳۵. gurd به معنی دلیر؛ شجاع و جنگجو (فره وشی ۱۳۵۲؛ ۱۸۷). منظور زن شجاع و چابک گرفتن است.

۳۶. آذر باد مهر اسپندان: بهرام روز بن خان و مان افکن تا زود به فرجام رسد و به رزم و کارزار شو تا به پیروزی بازآیی (عریان: ص. ۸۳)

۳۷. آذریاد مهر اسپندان: رام روز؛ زن خواه و کار و رامش کن و نزد دادوران رو تا به پیروزی بازآیی و رهایی یابی (عریان: ص. ۸۳).

۳۸. واژه (kLay) در این بند به معنای گوهر و جوهر است و بعد آن کلمه با املائی (mnTF) آمده که نتوانستیم بخوانیم و در ترجمه آن تردید داشتیم.

۳۹. واژه با املائی پهلوی (YEabMa) حرف نویسی کردیم را نتوانستیم بخوانیم اما چون در این بند از چیزی مربوط به روان صحبت می‌شود آن را با تردید (کالبد) ترجمه کردیم

۴۰. باد روز روز بیست و دوم از ماه و روزی راحت و آسان. در این روز به مدد نیروی باد کارها آسان گردد - آذریاد مهر اسپندان گفته است: باد روز درنگ مکن و به کار نو میبوند. (عریان: ص. ۸۳)

۴۱. دی به دین روز بیست و سوم از ماه و یکی از سه روز منسوب به آفریدگار - آذر باد مهر اسپندان: دی بدین روز زن به خانه آوردن و موی و ناخن ویراستن و جامه پوشیدن. (عریان: ص. ۸۳).

۴۲. آذر باد مهر اسپندان: دین روز خرفستر (=موجود موزی) بکش (عریان: ص. ۸۳).

۴۳. ارد (=اشی) روز بیست و پنجم از ماه و ایزد بانوی توانگری و بخشش. - آذر باد مهر اسپندان: ارد روز هر چیز نو بخر و اندر خانه ببر (عریان: ص. ۸۳)

۴۴. این کلمه را نتوانستیم بخوانیم اما به قیاس با مفهوم بند و از روی فرضیات نامه به (افزودن) ترجمه کردیم.

۴۵. واژه حرب (=جنگ) ریشه عربی دارد. برای وام واژه‌های وجرکرد دینی بنگرید به Sheffield, 2005: 187

۴۶. بنگرید به: فره وشی؛ ۱۳۵۲: ۳۴۱

۴۷. اشتاد نام روز بیست و ششم از ماه مقارن با چهارمین جشن گاهنبار در یادبود آفرینش گیاه. بنگرید به: Modi, 1937: 364.

آذریاد مهر اسپندان: اشتاد روز؛ اسب؛ گاو و ستور به گشن (=نرینه) هلتا به درستی باز آیند. (=گاو و ستور برای جفت گیری ببر که حاصل نیک دهند (عریان: ص. ۸۳)

۴۸. آذرباد مهر اسپندان: آسمان روز به سفر دراز رو تا به تندرستی باز آیی. (عریان: ص. ۸۳).
۴۹. آذرباد مهر اسپندان: زامیاد روز دارو مخور. (عریان: ص. ۸۳)
۵۰. مارسپند یعنی کلام مقدس یا فزونی بخش (آموزگار؛ ۱۳۷۴: ۳۲). در این روز کار ثواب بسیار انجام باید داد و زنی نیکو به همسری برگزید. - آذرباد مهر اسپندان: مارسپندان روز جامه افزای و بدوز و بیوش و زن بزنی کن تا فرزند تیز هوش نیک زاید (عریان: ص. ۸۳).
۵۱. اوستا: usv.friti (=نذر و نیاز به درگاه ایزدان). بنگرید به مزداپور؛ ۱۳۹۰؛ ۱۵۵؛ میرفخرایی؛ ۱۳۹۳: ۲۷۱.
۵۲. انگران سی امین روز از ماه. در این روز کار ناتمام را به انجام باید رساند. - آذرباد مهر اسپندان: انیران روز موی و ناخن ویرای و زن به زنی گیر که فرزند مشهور زاید. (عریان: ص. ۸۳)
۵۳. کلمه داخل گیومه مخدوش بود و نتوانستیم بخوانیم .

کتابنامه

- آموزگار؛ ژاله (۱۳۷۴). *تاریخ اساطیری ایران*. تهران: سمت .
- آموزگار؛ ژاله (۱۳۸۶). *زبان فرهنگ اسطوره*. تهران: معین .
- باقری حسن کیاده؛ معصومه وحشمتی؛ مهناز (۱۳۹۳) پیشگویی و طالع بینی در متون ایرانی دوره میانه؛ فرهنگ و ادبیات عامه؛ بهار و تابستان؛ دوره ۲؛ ش. ۳؛ صص. ۱-۲۴
- برهان؛ محمد حسین بن خلف (۱۳۱۷). *فرهنگ برهان قاطع*. تهران: شرکت سهامی طبع چاپ بیرونی؛ ابوریحان (۱۳۸۹). *آثار الباقیه*. ترجمه اکبر دانا سرشت؛ تهران: امیر کبیر .
- پوردوود؛ ابراهیم (۱۳۸۷). *خرده اوستا نامه مینوی*. تهران: دنیای کتاب .
- تفضلی؛ احمد (۱۳۷۵). *تاریخ ادبیات ایران قبل از اسلام*. تهران: سخن .
- تقی زاده؛ حسن (۱۳۱۶). *گاه شماری در ایران باستان*. انتشارات کتابخانه تهران.
- زرشناس؛ زهره و رشنو؛ مریم (۱۳۹۶) *ایزد رشن و جایگاه او در دین زرتشتی؛ زبان شناخت، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ سال هشتم، شماره اول، بهار و تابستان: صص. ۱۰۷-۱۲۴*
- سلیم؛ عبدالامیر. (۱۳۵۳). *تطبیق روزهای ماه در فرهنگ ایرانی و احادیث اسلامی یا سی روزه در حدیث شیعه*. تبریز: دانشکده ادبیات و علوم انسانی؛ صص. ۲۵۱-۲۸۶
- فره وشی؛ بهرام. (۱۳۵۲). *فرهنگ پهلوی*. تهران: دانشگاه تهران .

شایست ناشایست روزهای ماه ... (زهره محمودیان و ایرج عنایتی زاده) ۲۸۵

عریان؛ سعید (۱۳۹۱). *متن‌های پهلوی (ترجمه؛ آوانوشت)*. تهران: نشر علمی .
عنایتی زاده؛ ایرج (۱۳۹۹) *بندهش: آوانوشت، ترجمه، یادداشت‌ها: بر پایه نسخه شماره «۱»*
تهورس دینشاه (TD1)؛ تهران: انتشارات برسم.
عنایتی زاده؛ ایرج (۱۳۹۵) *و جگر کرد دینی: آوانوشت؛ ترجمه؛ تعلیقات؛ واژه نامه؛ رساله دکتری؛*
دانشگاه آزاد اسلامی؛ تهران: واحد علوم و تحقیقات.
غلامی؛ زهرا (۱۳۹۹). *سعد و نحس ایام در باورها و امثال و حکم بیرجند؛ دو ماهنامه فرهنگ و ادبیات*
عامه؛ سال ۸، شماره ۳۲، خرداد و تیر؛ صص. ۱۲۳-۱۴۷
میرفخرایی؛ مهشید (۱۳۹۳). *بررسی دینکرد ششم*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و
مطالعات فرهنگی .

Boyce, Mary.(1970) . " *On the calendar of Zoroastrian feasts* " : Bulletin of the school of
oriental and African studies . v.33.p.p. 513- 539
Haug, M. (1973). *An old Pahlavi-Pazand glossary*, Osnabruek: Biblio Verlag.
Jamasp Asana, Minocheherji .(1897) . *Pahlavi texts* . Bombay : Fort printing press .
Kapadia, D.D (1953). *Glossary of Pahlavi Vendidad*, Bombay: Dinshah D. Kapadia
Katrak,J.C(1974) "*two modern Pahlavi production*", in: Kurus memorial volume Bombay,
Bombay: Iran culture House,pp.71-80.
kotwal.,F.M.(2017). "*A historical overview of the Parsi settlement in Navsari*", Digital
Archive of Brief notes and Iran Review, vol.1, no.4, pp.62-72.
Mackenzie, D.N. (1971) . *A concise Pahlavi dictionary* . London : Oxford .
Pahlan, Dastur Darab . (1924) . *The Persian FarziAt – NAMEH and khOlaseh-DIn* . Bombay:
Fort printing press .
Sanjana, Dastur Peshutan .B.J.(1848). *wizIrgerd I DEnIg* . Bombay : Jamshed jiji bhai .
Sheffield, D.J.(2005). "*The wizirgerd-e Denig and the evil spirit*". Bulletin of the Asia
institute,v.19.pp.181-189
West, E.W(1887) "*Notes sur quelques petits texts pehlvis*", in: Le Museon, vol.6, pp.267-272
West,E.W(1897) "*Pahlavi literature*", in: Grundriss der Iranischen Philologie by Ludwig
Wilhelm Geiger, Band II, pp.108-111.